



درس دوازدهم تحولات هویتی جهان اجتماعی (علل بیرونی)

ارتباط جهان‌های اجتماعی در چه صورتی به تحولات فرهنگی منجر می‌شود؟
ارتباط و دادوستد جهان‌های اجتماعی مختلف با یکدیگر عادی و متداول است، ولی این ارتباط می‌تواند شکل‌های مختلفی داشته باشد. چه شکلی از ارتباط به گسترش و پیشرفت یک جهان اجتماعی منجر می‌شود و چه شکلی از آن، تحولات فرهنگی را به دنبال می‌آورد؟

«صرفه‌جویی، مصرف نکردن نیست، بلکه درست مصرف کردن است». این جمله راهمه ما بارها شنیده‌ایم.

خسیس و ولخرج در ظاهر متضاد یکدیگرند. ولی اگر دقیق‌تر نگاه کنیم، آنها در یک نقطه مهم اشتراک دارند و آن هم علاقه شدید هر دو به پول و مهم بودن پول برای آنهاست. پول برای هر دو، به جای اینکه یک وسیله زندگی باشد، به هدف زندگی تبدیل شده است. ولخرج مهم بودن پول را با خرج کردن زیاد آن نشان می‌دهد و خسیس با خرج نکردن و انباشتن آن. شیوه زندگی خسیس و ولخرج دو شکل اشتباه مصرف است. مسئله، درست مصرف کردن است نه مصرف نکردن یا مصرف نکردن! و البته باید دید در هر موقعیتی، مصرف درست چگونه است.

ارتباط جهان‌های اجتماعی با یکدیگر نیز پذیرفته است و پرسش اساسی، نه در اصل ارتباط، بلکه در چگونگی آن است. به نظر شما شکل‌های صحیح و مفید یا غلط و مضر ارتباط جهان‌های اجتماعی کدام‌اند؟

روابط جهان های اجتماعی با یکدیگر، به چند شکل است؟

روابط جهان های اجتماعی با یکدیگر می تواند شکل های متفاوتی داشته باشد که هر کدام از آنها آثار هویتی متفاوت به دنبال می آورد.¹ این روابط گاهی در محدوده هنجارها و نمادها یا در شیوه های زندگی است و² گاهی در سطح عقاید، آرمان ها و ارزش های اجتماعی است. **در ارتباط میان جوامع، در چه صورت زمینه گسترش و پیشرفت جامعه فراهم می شود؟ دی ۹۹** اگر جهان اجتماعی با حفظ عقاید، آرمان ها و ارزش های خود، با جهان های اجتماعی دیگر تعامل و داد و ستد داشته باشد و در محدوده هنجارها و شیوه زندگی، عناصری را از جهان اجتماعی دیگر بگیرد و در صورت لزوم، تغییرات لازم را در آنها پدید آورد، زمینه گسترش و

پیشرفت خود را فراهم می آورد. **جهان اسلام، در سده های نخستین رویارویی با جهان های اجتماعی دیگر، چگونه به تعامل با آنها پرداخت؟** جهان اسلام در سده های نخستین رویارویی با جهان های اجتماعی دیگر، با حفظ هویت

فرهنگی خود به تعامل با آنها پرداخت و به همین دلیل، عناصر سازگار با هویت خود را از آنها گرفت و در موارد مورد نیاز، به بازسازی آن عناصر پرداخت. **بر خورد اسلام در مواجهه با عناصر فرهنگ یونان و روم چگونه بود؟ خرداد 91**

جوامع اسلامی در مواجهه با امپراتوری های یونان و روم، کدام عناصر را از فرهنگ آنها اخذ کردند؟ خرداد 99 به دلیل اهمیتی که اسلام برای عقل و عقلانیت قائل است، جهان اسلام در مواجهه با فرهنگ

یونان و روم، تنها عناصر عقلی این دو فرهنگ را اخذ کرد و به تناسب جهان شناسی توحیدی

خود در دانش های مختلف آنها دخل و تصرف کرد و عناصر اساطیری و مشرکانه آنها را نپذیرفت. **مسلمانان کدام آثار و علوم یونان و روم را ترجمه کردند و کدام آثار آنها را رها کردند؟** مسلمانان آثار فلسفی، پزشکی، ریاضی و نجوم یونان و روم را ترجمه کردند ولی آثار تاریخی،

ادبی، افسانه ها و اسطوره های آنها را رها کردند.

در چه صورت یک جهان اجتماعی، در تعامل با جهان های دیگر، دچار تحولات هویتی می شود؟ اگر جهان اجتماعی در تعامل با جهان های دیگر، بر عقاید و ارزش های خود یافشاری نکند،

دادوستد فرهنگی به لایه های عمیق آن سرایت می کند و در صورتی که به مرور زمان، به عقاید

و آرمان های خود پشت کند، دچار تحولات هویتی می شود. جهان اجتماعی ای که در مسیر **دی 98**

تحولات هویتی، ارزش ها و عقاید جهان اجتماعی دیگری را قبول کند، به آن ملحق می شود. **فرهنگ هایی مثال بزنید که در مواجهه با جهان اسلام، دچار تحولات هویتی شدند و به جهان اسلام ملحق شدند؟**

جهان اسلام در رویارویی با فرهنگ های دیگر، زمینه تحولات هویتی آنها را پدید آورد. بسیاری

از فرهنگ ها همانند مصر و ایران و... در تعامل با جهان اسلام، عقاید و ارزش های توحیدی آن را

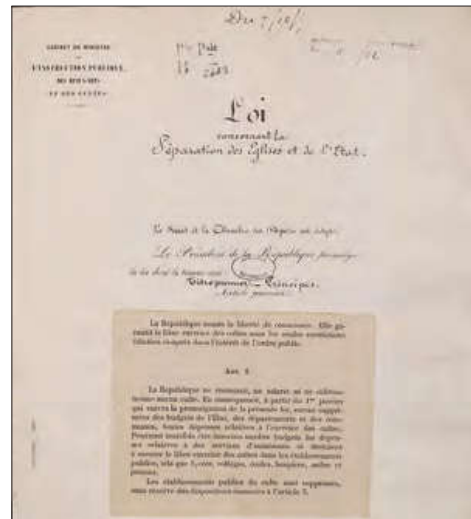
پذیرفتند و به آن ملحق شدند.



■ مصر در تعامل با جهان اسلام و پذیرش عقاید و ارزش های توحیدی آن، دچار تحولات هویتی شد.

جوامع غربی پس از رویارویی با جوامع اسلامی، طی جنگ های صلیبی، چه تحولات هویتی پیدا کردند؟ شهریور 96

ممکن است یک جهان اجتماعی در مواجهه با جهان اجتماعی دیگر، ضمن پذیرش بخش هایی از آن، هویت جدیدی به دست آورد و بدون اینکه به جهان اجتماعی مقابل ملحق شود، دچار تحولات هویتی گردد. جهان غرب طی جنگ های صلیبی، پس از رویارویی با فرهنگ اسلامی و پذیرش برخی لایه های آن، بدون اینکه به جهان اسلام بیبندد، تحولات هویتی پیدا کرد. آیا می دانید جهان غرب در قرون وسطی، چه بخش هایی از فرهنگ اسلامی را پذیرفت و چه بخش هایی از آن را قبول نکرد؟ آیا عقاید و ارزش های جهان اسلام را اخذ کرد یا در لایه های دیگری دست به انتخاب زد؟ این جهان بار دیگر دچار تحولات هویتی شد. این بار با عبور از عقاید و ارزش های مسیحیت قرون وسطی، به عقاید و ارزش های دنیوی و سکولار روی آورد و هویت جدیدی پیدا کرد.



■ نمونه ای از کتاب های منتشر شده ابن عربی در غرب

■ جمهوری خواهان لائیک فرانسوی در سال ۱۹۰۵ م قانونی را به تصویب مجلس ملی فرانسه رساندند که براساس آن دین از آخرین عرصه های حضور اجتماعی خود حذف شد.

پیامدهای خودباختگی فرهنگی را بنویسید. خرداد 99

خود باختگی فرهنگی چه زمانی رخ می دهد؟ توضیح دهید. خرداد 98

(ممکن است جهان اجتماعی در مواجهه با جهان های دیگر به « خودباختگی فرهنگی » گرفتار شود.

جهان اجتماعی هنگامی به داد و ستد و تعامل می پردازد که اعضای آن، به طور فعال و خلاق براساس نیازها، مشکلات و مسائل خود، با جهان اجتماعی دیگر رویارو شوند. اما اگر اعضای آن مبهوت و مقهور جهان اجتماعی دیگر شوند و در نتیجه، حالت فعال و خلاق خود را در گزینش عناصر فرهنگی دیگر از دست بدهند، دچار خودباختگی فرهنگی می شوند؛ در آن

1 صورت عناصر فرهنگی دیگر را بدون تحقیق و گزینش و به صورت تقلیدی فرا می گیرند.

2 جهان اجتماعی خودباخته، به روش تقلیدی عمل می کند و ارتباطش را با فرهنگ و تاریخ

خود از دست می دهد، بنابراین نه می تواند فرهنگ گذشته خود را تداوم ببخشد یا گسترش

دهد و نه می تواند آن را رها کند و از آن بگذرد و 5 به جهان اجتماعی دیگری که مبهوت و مقهور آن شده است، ملحق شود. از اینجا رانده و از آنجا مانده!

عبارت از اینجا رانده و از آنجا مانده، به چه جامعه ای اشاره دارد؟ جامعه خود باخته

جامعه خودباخته به چه دلیل، به روش تقلیدی عمل می کند؟ دی 94 به دلیل اینکه ارتباطش را با تاریخ و فرهنگ خود از دست می دهد

چرا بسیاری از جوامع غیر غربی در رویارویی با فرهنگ غرب دچار خودباختگی فرهنگی شدند؟ شهریور 93
 بسیاری از جوامع غیر غربی، در رویارویی با جهان غرب، به دلیل اینکه مرعوب قدرت اقتصادی و
 سیاسی برتر غرب گشتند، به خودباختگی فرهنگی گرفتار شدند. خودباختگی جوامع غیر غربی
 در برابر جهان غرب را «غرب زدگی» می نامند. غرب زدگی را تعریف کنید. دی 97 خرداد 98 شهریور 98



■ کلبه‌ای کوچک به سبک نقاشی‌های اروپایی روی کاشی‌های ایرانی (کاخ گلستان)



■ رواج غذاهای آماده و نوشیدنی‌های گازدار ناسالم

تبیین کنید

غرب زدگی جوامع غیر غربی مهم ترین مانع تعامل آنها با جهان غرب است. به نظر شما این جوامع برای دستیابی به تعامل با جهان غرب باید چه مسیری را پیمایند؟

پیشنهاد دهید

چگونه امروزه رسانه‌ها و فضای مجازی، عرصه‌ی مهمترین منازعه هویتی می شوند؟
 [امروزه رسانه‌ها و فضای مجازی با عبور از مرزهای جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی جوامع، از سویی تعامل فرهنگی را از سطح محققان و مولدان فرهنگی به عموم کاربران و مصرف کنندگان فرهنگی منتقل کرده است؛ و از سوی دیگر تعامل فرهنگی را از سطح نمادها و هنجارها به عمق عقاید و ارزش‌ها می کشاند. این وضعیت باعث می شود تا عقاید و ارزش‌های جهان‌های اجتماعی توحیدی، اسطوره‌ای و دنیوی در عرض هم و البته با کمیت و کیفیت نابرابر در دسترس همه افراد قرار گیرند؛ بدین ترتیب رسانه‌ها و فضای مجازی عرصه‌ی مهم ترین منازعه هویتی می گردد.]
 فضای مجازی چه فرصت‌ها و تنگناهایی برای ساماندهی معقول این منازعه هویتی دارد؟ ما برای پاسداری از هویت فرهنگی خود چه ظرفیت‌هایی داریم؟ برای حفظ و بسط هویت فرهنگی خودمان در سطح فردی و اجتماعی (محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی) چه تکالیفی داریم؟ شما چه پیشنهادهایی دارید؟

از خودبیگانگی فرهنگی چیست؟

در زمین دیگران خانه مکن کار خود کن، کار بیگانه مکن

در زبان فارسی، «بیگانه» در مقابل خودی به کار می‌رود؛ اما در مواردی ممکن است انسان با خودش بیگانه شود. به این وضعیت «از خودبیگانگی» می‌گویند. نه تنها افراد، بلکه جهان‌های اجتماعی نیز ممکن است دچار از خودبیگانگی شوند که به آن «از خودبیگانگی فرهنگی» گفته می‌شود. از خودبیگانگی فرهنگی به چه معناست؟

معلمی برای اینکه دانش آموزان را به مطالعه جغرافیا تشویق کند، می‌گفت: «اگر می‌خواهید گم نشوید، جغرافی بخوانید!» این عبارت کاملاً درست است؛ ولی انسان صرفاً موجودی مکان‌مند نیست که مکان را گم کند یا در مکان گم شود. انسان موجودی زمانمند هم هست و ممکن است زمان را گم کند. برای اینکه زمان را گم نکند، باید تاریخ را بشناسد. انسان بعد اجتماعی و فرهنگی هم دارد و باید جامعه و فرهنگ را هم به خوبی بشناسد تا آنها را گم نکند یا در آنها گم نشود. مهم‌تر آنکه انسان ممکن است خودش را گم کند. راستی، ما خود را چگونه بیابیم؟ به تعبیر امام علی علیه السلام: «خدا رحمت کند کسی را که بدانند از کجا آمده، کجاست و به کجا می‌رود».

همه این حالت‌های گم‌شدگی، نه تنها برای افراد، بلکه برای گروه‌ها، ملت‌ها، امت‌ها و جهان‌های اجتماعی نیز ممکن است.

جهان اجتماعی چگونه از خود بیگانه می‌شود؟



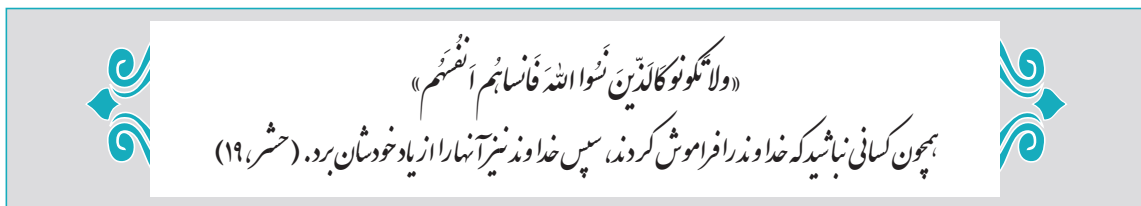
■ جشن هنر شیراز، مراسمی خارج از معیارهای اخلاقی بود که از سال ۱۳۴۶ در شیراز و به ریاست فرح پهلوی برگزار می‌شد و یکی از نشانه‌های ابتدال رژیم پهلوی و ترویج سیاست‌های غرب‌گرایانه بود. سفیر وقت انگلستان در ایران در خاطرات خود آورده است که به شاه گفتم که اگر چنین نمایشی در شهر منچستر اجرا می‌شد، کارگردانان و هنرپیشگان جان سالم به‌در نمی‌بردند. شاه مدتی خندید و چیزی نگفت. (خاطرات دو سفیر، ویلیام سولیوان و سر آنتونی پارسونز)

■ در تاریخ ۲۵ اسفند ۱۳۵۴ خورشیدی، با تصویب مجلس شورای ملی و مجلس سنا، گاه‌شماری شاهنشاهی، تقویم رسمی کشور شد. در این مصوبه مبدأ تقویم خورشیدی از هجرت پیامبر اسلام به تاریخ تقریبی تاج‌گذاری کوروش تغییر یافت.

- از خودبیگانگی فرهنگی دو معنای متفاوت دارد. منظور از "از خود بیگانگی تاریخی" چیست؟ دی 97
- اگر جهان اجتماعی، فرهنگ تاریخی خود را فراموش کند، دچار از خودبیگانگی تاریخی دی 90 می‌شود. جوامع خودباخته‌ای که در مواجهه با فرهنگ دیگر، هویت خود را از یاد می‌برند، به این معنای از خودبیگانگی گرفتار می‌شوند. معنای از خود بیگانگی حقیقی (فطری) چیست؟ دی 98
 - اگر عقاید و ارزش‌های یک جهان اجتماعی، مانع از آشنایی اعضای آن با حقیقت انسان و جهان شود، آن جهان دچار از خود بیگانگی حقیقی (فطری) می‌شود. خرداد 97

جهان‌های اجتماعی که براساس فطرت انسان شکل نگرفته‌اند و از عقاید و ارزش‌های حق برخوردار نیستند، مانع از آن می‌شوند که انسان‌ها به شناخت و تفسیری صحیح از عالم و آدم برسند. در این جهان‌های اجتماعی، انسان‌ها از حقیقت خود و هستی دور می‌مانند. تصویری که از انسان ارائه می‌شود، سرابی از حقیقت است؛ به همین دلیل فطرت آدمی در این جهان به آرامش نمی‌رسد و به اضطراب و تشویش گرفتار می‌شود و در نهایت، سر به عصیان و اعتراض برمی‌دارد. از دیدگاه قرآن، انسان چه هنگامی می‌تواند حقیقت خود و جهان را بشناسد؟ از نظر قرآن، انسان هنگامی به شناخت حقیقت خود و جهان می‌رسد که با نگاه توحیدی به خود و جهان بنگرد. قرآن کریم فراموش کردن خداوند را سبب فراموشی انسان از خود می‌داند.

از دیدگاه قرآن، کدام فرهنگ‌ها انسان را از حقیقت خود بیگانه می‌گرداند؟



- براساس این نگاه، تنها جهان اجتماعی توحیدی است که درهای آسمان و زمین را به روی انسان می‌گشاید و او را با حقیقت خود و جهان هستی آشنا می‌کند. انسانی که به خودآگاهی می‌رسد، خویش و جهان را آیات و نشانه‌های خداوند می‌یابد و همواره انیس و همنشین خداوند است. جهان اجتماعی مشرکانه اساطیری و جهان اجتماعی سکولار و دنیوی، آدمی را نه تنها از حقیقت جهان، بلکه از حقیقت خود نیز بیگانه می‌کند. خرداد 97 خرداد 99

تحلیل کنید

از خودبیگانگی تاریخی و حقیقی چه ارتباطی با هم دارند؟ آیا اگر جهان اجتماعی به یکی از معانی از خودبیگانگی دچار شود، ناگزیر به دیگری هم مبتلا می‌شود؟ یا ممکن است جامعه‌ای در یک معنا از خودبیگانه نباشد، ولی در معنای دیگر، از خود بیگانه باشد؟

۱- با توجه به مطالب درس ۷ می‌توان گفت در صورتی که اعضای یک جهان اجتماعی، واقعیت‌ها و آرمان‌های آن را فراموش نکنند و به آنها تعلق خاطر داشته باشند آن جهان اجتماعی دارای هویت تاریخی است و اگر واقعیت‌ها و آرمان‌های آن مطابق حق باشند، دارای «هویت حقیقی» است.

مفاهیم اساسی

از خودبیگانگی فرهنگی،

خلاصه کنید

از خودبیگانگی تاریخی و از خودبیگانگی حقیقی دو نوع متفاوت از خودبیگانگی فرهنگی هستند.

آنچه از این درس آموختیم

هر یک از تعاریف ستون اول به کدام یک از مفاهیم ستون دوم مربوط است؟ شهریور 99

الف- جامعه خودباخته ای که در مواجهه با جامعه دیگر، هویت فرهنگی خود را از یاد می برد

1 از خود بیگانگی فرهنگی

ب- فرهنگ هایی که مانع شناخت انسان از عالم و آدم می شوند

2 از خودبیگانگی فطری

ج- جامعه ای که اعضای آن در گزینش عناصر فرهنگی جامعه دیگر، حالت فعال و خلاق خود را از دست داده اند

3 از خود بیگانگی

4 خودباختگی فرهنگی

د- بیگانه شدن انسان از خود

5 از خود بیگانگی تاریخی